پول مردم به خودشان برگشت

آخرین برگ از پرونده بزرگ‌ترین مفسدان اقتصادی که نماینده دادستان مشهد تشریح کرد

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

ظهر دیروز نشست خبری با موضوع «اطلاع‌رسانی در روند اجرای احکام پرونده‌های مفاسد اقتصادی» در سالن جلسات شهید لاجوردی برگزار شد. در این نشست نماینده دادستان عمومی و انقلاب مرکز خراسان رضوی و مسئول اجرای احکام ویژه پرونده‌های اخلالگران اقتصادی مشهد با تشریح ۵ پرونده کلان اقتصادی به جزئیاتی از روند رسیدگی به آن‌ها پرداخت.

«پردیسبان» یکی از پرونده‌های مفاسد اقتصادی بود که قاضی صادق صفری در جمع خبرنگاران به آن اشاره کرد و گفت: پرونده پردیسبان از آن دسته پرونده‌های کلان اقتصادی در کشور است که ۸ هزار نفر سهام‌دار دارد. در مدتی به صورت گسترده با شرکت پدیده به رقابت پرداخت و در این باره نیز از ظرفیت تبلیغاتی رسانه‌ها تصویری و مکتوب هم استفاده کرد. در روند بررسی‌ها و اقدامات صورت گرفته تاکنون اصل رد مال برای ۴ هزار و ۹۳۸ نفر از سهام‌داران و سرمایه‌گذاران این پرونده به مبلغ ۶۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان انجام شده و مابقی سهام‌داران نیز در نوبت پرداخت بوده و یا در حال رفع نواقص مستندات خود هستند. تاکنون بخش عمده‌ای از سهام‌داران و سرمایه‌گذاران این شرکت اصل پول خود را دریافت کرده‌اند و با توجه به سرعت‌گیری روند پیگیری‌های پرونده به‌زودی اصل پول دیگر سهام‌داران نیز پرداخت می‌گردد.

این مقام قضایی مرکز استان خراسان رضوی بیان کرد: البته پیگیری لازم برای رفع موانع فروش اموال محکومان، مکاتبه با دیگر مراجع قضایی برای تجمیع پرونده‌های محکومان در سراسر کشور و رسیدگی به آن تنها در مشهد و انجام مکاتبات با بانک‌ها، شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌های دخیل در این پرونده برای مساعدت در حوزه اموال محکومان پرونده از دیگر اقدامات صورت گرفته در این شعبه بوده است.

صفری در ادامه به تقاضای رد مال برخی افراد در این پرونده که هیچ مستنداتی درباره سرمایه‌گذاری‌شان ندارند اشاره کرد و گفت: تأکید می‌کنم امروز تقاضاهای افرادی که خود را سهام‌دار پردیسبان معرفی می‌کنند اما مستنداتی که نشانگر این موضوع باشد را ندارند مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد. علاوه بر این همه پرداختی‌ها امروز از حساب دادگستری به حساب سهام‌داران واریز می‌شود. گرچه اخباری کذب از سوی افرادی سودجو در روند پرداختی‌ها از حساب دادگستری مطرح شده است که تأکید می‌کنم همه هزینه‌های ناشی از فروش املاک و دیگر لوازم محکومان برای رد مال در مدت زمان یک یا دو روزه در حساب دادگستری می‌ماند سپس در اختیار سهام‌داران قرار می‌گیرد. علت این اقدام هم به دلیل جلوگیری از تبانی محکومان با افرادی که در بیرون از زندان با آن‌ها ارتباط دارند می‌باشد.

نماینده دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان رضوی افزود: شناسایی اموال منقول و غیر منقول در این پرونده بسیار پیچیده است و روند رسیدگی به سختی انجام می‌گیرد زیرا ما پس از اینکه ملکی را شناسایی می‌کنیم متوجه می‌شویم محل یا بدهی بانک دارد و بانک آن را توقیف کرده و یا عوارضش را پرداخت نکرده و یا حکم قلع بنای آن در کمیسیون ماده ۱۰۰ آمده است.

به گفته قاضی صفری از همان ابتدا در روند رسیدگی‌های این پرونده منافع سهام‌داران و مال‌باختگان برای دادگستری استان اهمیت داشت بنابراین ایجاب می‌کرد که فروش اموال محکومان از مسیر مزایده انجام نشود زیرا این روش موجب ضرر این اقشار آسیب‌دیده جامعه می‌شد و یا ممکن بود محکومان با تبانی با افرادی دیگر املاک را خریداری کنند. از همین رو در پیگیری‌های این شعبه حق و حقوق سهام‌داران با توجه به رشد اقتصادی املاک مورد نظر به طور کامل دیده شده و سود آن‌ها با رشد چنددرصدی در اختیارشان گذاشته شده است.

سرانجام پدیده

مسئول اجرای احکام ویژه پرونده‌های اخلالگران اقتصادی مشهد در بخش دیگری از این نشست خبری به پرونده شرکت پدیده اشاره کرد و گفت: این پرونده نیز از پرونده‌های کلان اقتصادی در مشهد بود که با پیگیری‌های انجام شده سرانجام این شرکت با سیستم جدید مدیریتی و نیز هیئت مدیره جدید توانست برخی از مطالبات سهام‌داران را پرداخت کند و با نام شرکت توسعه بین‌المللی صنعت گردشگری پدیده شاندیز توانست وارد بورس شود. البته شرکت ابنیه و ساختمان نیز وابسته به شرکت پدیده است که در شرف ورود به بورس می‌باشد. باید به این نکته اشاره کنم که در شرکت پدیده، افزایش سه‌برابری سرمایه سهام‌داران صورت گرفته و توافق با بازارگردان سهام برای مدیریت وضعیت سهام در بورس انجام شده است. طبق بررسی‌های انجام شده امروز تعداد سهام‌داران شرکت پدیده از ۱۲۰ هزار نفر به ۱۷۰ هزار نفر رسیده که ۹۰ هزار نفر از این تعداد از طریق بورس وارد شده‌اند.

قاضی صفری ادامه داد: در این پرونده تاکنون حدود هزار نفر از طلبکاران تعیین تکلیف شده و پیگیری جدی در تثبیت مالکیت شرکت پدیده برای املاک این شرکت در دست اقدام است.

آخرین برگ از پرونده اعتماد ایرانیان

نماینده دادستان عمومی و انقلاب مشهد در ادامه به شرحی از روند پیگیری‌های قضایی درباره پرونده موسسه مالی اعتباری اعتماد ایرانیان پرداخت و بیان کرد: این موسسه نیز هزار و ۵۰۰ سهام‌دار دارد که عمده آن‌ها خانواده‌های ایثارگران و جانبازان و بازنشستگان لشکری و کشوری هستند. تاکنون بخش عمده‌ای از حق و حقوق سهام‌داران این تعاونی از طریق شعبه اجرای احکام و بخشی دیگر نیز با توافق خود سهام‌داران وصول شده است. علاوه بر این با توجه به شرایط بد اقتصادی که ویروس کرونا در کشور به وجود آورده است این شعبه با اخذ مجوز پرداخت قبل از تقسیم سود و کسر بدهی‌ها مبالغی را به میزان ۳ و ۴ میلیون تومان در اسفند ۹۸ و آذر ۹۹ به صورت علی‌الحساب به هر کدام از سهام‌داران پرداخت کرده است.

قاضی صفری ادامه داد: اموال محکومان و خانواده آن‌ها نیز شناسایی و برای تعیین ارزش ریالی ارجاع به کارشناسی شده تا میزان دارایی محکومان با دریافتی‌شان که به صورت مشروع بوده مطابقت داده شود. در این بررسی‌ها امیدوار هستیم اموال خوبی به نفع سهام‌داران این موسسه وصول کنیم. دفاتر مصوبات هیئت مدیره وقت که به صورت عمدی و یا سهوی مفقود شده بودند و بخشی از حلقه‌های مفقوده این پرونده نیز کشف شد.

به گفته مسئول اجرای احکام ویژه پرونده‌های اخلالگران اقتصادی مشهد یکی از محکومان اصلی پرونده همکاری لازم را با دستگاه قضایی ندارد و هر مال یا ملکی را از او شناسایی می‌کنیم مدعی می‌شود که تمام زندگی‌اش را فروخته و آن را خریده است. برای مثال این فرد در سال ۹۱ زمینی در منطقه مصلای مشهد به مبلغ ۶۵۰ میلیون تومان خریداری کرده و بدون اینکه سند را به نام خودش بزند، آن را به نام فردی زده که حتی هیچ دستخطی هم بین آن‌ها رد و بدل نشده است. بعد از مدتی نیز این فرد سند همان ملک را به نام پسر متهم وکالت زده است. در روند رسیدگی به این پرونده دو نفر از محکومان پرونده نه تنها همکاری ندارند بلکه بدیهیات پرونده را نیز انکار می‌کنند بنابراین تأکید می‌کنم دستگاه قضایی نه‌تنها برای این افراد تخفیفی قائل نمی‌شود بلکه حتی آن‌ها اگر مجوز بستری در بیمارستان داشته باشند برای اعزام به صورت تحت‌الحفظ به بیمارستان منتقل خواهند شد. البته ۴ نفر از محکومان که تاکنون همکاری خوبی با دستگاه قضایی داشته‌اند در مرخصی به سر می‌برند و برای حصول نتیجه با هیئت تصفیه نیز همکاری دارند.

قاچاقچی ارز همچنان متواری است

صفری در بخش دیگر این نشست خبری به پرونده عمده قاچاق ارز نیز اشاره کرد و ادامه داد: به گفته نماینده بانک مرکزی این پرونده یکی از پرونده‌های بزرگ ارزی در کشور است که در آن حدود ۶۷۴ میلیون دلار ارز به صورت چمدانی از کشور خارج شده است. در روند رسیدگی به این پرونده ضابطان قضایی موفق شدند ۳ چمدان حاوی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان را در فرودگاه امام خمینی(ره) تهران توقیف کنند. پس از دستگیری متهمان این پرونده مشخص شد تاکنون حدود ۲۰۰ چمدان حاوی ۹ هزار میلیارد تومان ارز از کشور خارج شده است.

این مقام قضایی مشهد گفت: سرکرده این باند یک تبعه خارجی است که ما امروز تنها یک اسم مستعار از او داریم. البته یکی از محکومان مدعی شده است که حاضر به همکاری با دستگاه قضایی می‌باشد. یکی از محکومان این پرونده نیز اکنون در مرخصی استعلاجی است و دوره درمان خود را طی می‌کند.

ماجرای ناتمام آفتاب

هلدینگ آفتاب دیگر پرونده‌ای بود که قاضی صادق صفری به آن اشاره کرد. نماینده دادستان مشهد گفت: این پرونده هم جزو پرونده‌های کلان اقتصادی در حوزه جعل مدرک تحصیلی است که طبق تحقیقات انجام شده متأسفانه بسیاری از مسئولان و هنرمندان تاکنون مدارک تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری خود را از این مجموعه گرفته‌اند. برخی افراد این مدارک جعلی را در حوزه پزشکی و برخی دیگر در حوزه ساخت و ساز شهری استفاده کرده‌اند.

صفری ادامه داد: عناوین متعددی در این پرونده مطرح شده که شامل اخلال در نظام اقتصادی کشور، پول‌شویی جعل مهر وزارت علوم و جعل مدارک دانشگاه‌های خارجی و کلاهبرداری شبکه‌ای است. میزان رد مال هر محکوم نیز اعلام شده است. هر کدام از این افراد برای رد مال اعلام آمادگی کنند در تحمل حبس او نیز مساعدت خواهد شد. هم اکنون ۳ محکوم این پرونده متواری هستند. رضایت برخی از شکات پرونده هنوز اخذ نشده است. در این پرونده نیز ۱۵ نفر محکوم به حبس شده‌اند و ۱۰ نفر تحمل حبس داشته و ۲ نفر نیز تعلیق هستند.

آتش‌سوزی مهیب در کارخانه تولید مشتقات نفتی

محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

مدیرعامل آتش‌نشانی مشهد از مهار آتش‌سوزی مهیب کارخانه تولید مشتقات نفتی در جاده مشهد به شهرستان فریمان خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، آتشپاد مسعود ظهوریان که شخصا فرماندهی این عملیات را برعهده داشت، گفت: در پی وقوع آتش‌سوزی در کارخانه تولید مشتقات نفتی و با توجه به حساسیت موضوع، ستاد فرماندهی بلافاصله ۶۰ آتش‌نشان ایستگاه‌های مختلف را به همراه ۲۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین اطفای حریق، تیم مقابله با مواد شیمیایی و خودروهای تورباوفن را به محل حادثه در سی کیلومتری مشهد اعزام کرد.

وی افزود: آتش‌نشانان به محض حضور در محل مشاهده کردند، بخشی از یک سوله به وسعت یکهزار متر مربع در این کارخانه دچار حریق شده و شعله‌های آتش در حال سرایت به مخازن نگهداری بنزین و کارگاه‌ها و انبارهای مجاور این مکان بودند که بلافاصله آتش‌نشانان با در نظر گرفتن موارد احتیاطی اقدام به مهار آتش‌سوزی کردند و از انفجار مخازن مملو از فرآورده‌های نفتی و وقوع فاجعه ناگوار در محل جلوگیری کردند.

ظهوریان خاطرنشان کرد: آتش‌نشانان پس از ایمن‌سازی کامل محل حریق و بررسی میزان حرارت موجود در مخازن با دوربین‌های حرارتی و انجام عملیات تهویه و سرد کردن مخازن حاوی فرآورده‌های نفتی و مواد اشتعال‌زا در این کارخانه به عملیات خود پایان دادند.

به گفته این مقام مسئول خوشبختانه در این آتش‌سوزی به کسی آسیبی نرسیده و علت دقیق وقوع این حریق از سوی کارشناسان در دست بررسی است.

جدول شماره: ۳۱۰۲

طراح: محمدرضا علیزاده

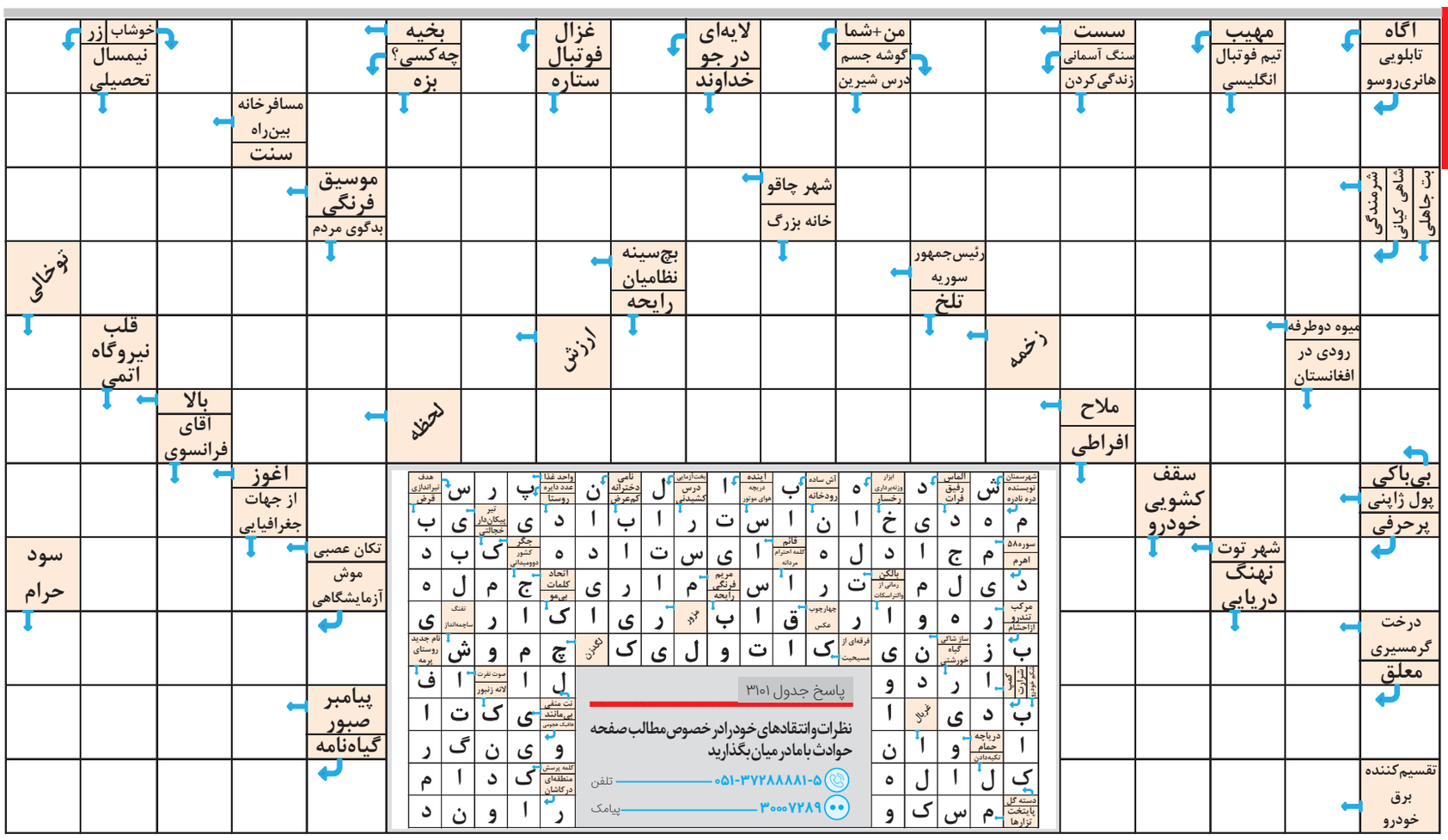

ناصر اصلانی، معاون ستاد مبارزه با موادمخدر کشور: از ابتدای امسال ۱۳۰۰ معتاد شناسایی شده در مرکز ماده ۱۶ و سایر مراکز ذیل تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون نگهداری می‌شوند

پاسخ جدول ۳۱۰۱

نظرات و انتقادهای خود را در خصوص مطالب صفحه حوادث با ما در میان بگذارید

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

اخبار کوتاه

سلاخی در منطقه حفاظت شده بجستان

۳ شکارچی که در منطقه حفاظت شده هلالی بجستان اقدام به صید پرنده‌های تحت حفاظت کرده بودند، دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار ما، رئیس حفاظت محیط زیست بجستان درباره این پرونده گفت: مأموران یگان حفاظت در عملیات مشترک با مأموران پلیس اطلاعات و امنیت نیروی انتظامی موفق به دستگیری این متخلف شکار شدند. به گفته مجتبی رضانژاد، متخلفان در منطقه ممنوعه بدون اخذ مجوز قانونی مبادرت به شکار ۵ قطعه پرنده باقرقره کرده بودند که از این افراد علاوه بر لاشه ۵ پرنده، یک قبضه سلاح تک لول، ۱۰ فشنگ و ۲۹ پوکه کشف و ضبط شد.

این مقام مسئول ادامه داد: میزان ضرر و زیان وارده طبق مصوبه شورای عالی محیط زیست ۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال است که متخلفان باید آن را پرداخت کنند و در این باره پرونده‌ای تشکیل و تحویل مقام قضایی شد.

گازگرفتگی ۵ عضو یک خانواده

رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و حوادث دانشگاه علوم پزشکی گناباد از مسمومیت ۵ نفر از اعضای یک خانواده در این شهرستان با گاز مونوکسیدکربن خبر داد.

به گزارش ایرنا، دکتر امین زمانی در این باره گفت: رعایت نکردن اصول ایمنی در استفاده از وسایل گرمایشی و استفاده از لوله‌های غیر استاندارد سبب مسمومیت اعضای این خانواده شد.

وی افزود: این افراد با اقدام به‌موقع کارشناسان اورژانس پس از انجام اقدامات اولیه درمانی و انتقال به بیمارستان علامه بهلول گنابادی از خطر مرگ نجات یافتند.

بازگرداندن مدیر سایت شرط‌بندی از ترکیه

به گزارش خبرگزاری آناتولی پلیس استانبول پس از آغاز تحقیقات قضایی درباره میلاد حاتم‌آبادی مشهور به میلاد حاتمی شهروند ایرانی مقیم ترکیه، وی را دستگیر و برای اخراج از کشورش به مرکز استرداد اتباع خارجی منتقل کرد. حاتمی که یکی از فعالان فضای مجازی و مدیر سایت شرط‌بندی در ترکیه است، چند روز پیش از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام ویدئویی منتشر کرد که در آن بدون رعایت مقررات مربوط به تدابیر کرونایی مشغول گشت‌وگذار با خودرو پلیس بود. اداره پلیس استانبول پس از این ماجرا با صدور اطلاعیه‌ای در شبکه اجتماعی توئیتر از آغاز تحقیقات درباره اقدامات این شهروند ایرانی خبر داد. درهمین راستا تیم مبارزه با قاچاق انسان و پایانه‌های مرزی پلیس استانبول ۲۹ آذر با بازداشت حاتمی، وی را تحویل اداره امور مهاجرت استانبول داده است.

همچنین ورود او به ترکیه به صورت موقت ممنوع شده و پیش‌بینی می‌شود وی از ترکیه اخراج شود. میلاد حاتمی پیش‌تر نیز در اقدام عجیب دیگری با خودرو لوکس به فروش هندوانه در خیابان‌های استانبول پرداخته بود. این شهروند ایرانی در پی این اقدام جریمه شده و خودرو او برای مدت ۱۵ روز از تردد در معابر عمومی به دلیل استفاده نامناسب از وسایل نقلیه خارج از چارچوب قانونی تعیین شده، منع شده بود.

داستان پلیسی

اوردوز

قسمت دوم

ایلیا موسایی

سلیم توی تاریکی در خودش می‌غلتید و کمی که گذشت بدنش بی‌حرکت ماند. اولش سکوت بود. بعد صدای تیر دیگری آمد و حرکت ماشینی که از پشت صخره‌ها دیده نمی‌شد و به دنبال آن همهمه‌ای راه افتاد. عبدالقاهر خودش را روی خاک کشاند و سرش را چسباند به سینه سلیم، که حالا هیچ حرکتی نمی‌کرد؛ قلبش نمی‌تپید... عبدالقاهر همان‌طور که خزیده بود کنار بدنَ سلیم، سراسیمه جیب‌هایش را گشت و انگشت‌هایش کورمال، اول رطوبت گرم و لزجی را حس کردند و بعد رسیدند به گوشی موبایل. عبدالقاهر صدای قِل خوردن سنگریزه‌ها را شنید. از جایی پشت صخره‌ها می‌آمد. موبایل را توی جیب خودش چپاند و بعد دودستی، با تمام قوتی که داشت بدن بی‌جان سلیم را آن‌قدر هِل داد که از لای سنگ‌های سیاه سُرید پایین. نگاه نکرد، فقط صدای غلت خوردن بدن را گوش می‌داد. بعد سریع از جا جهید و خودش را رساند به صخره بزرگی که زیر نور مُرده مهتاب، سایه سیاهی درست کرده بود و از همانجا با تمام توانش دوید. افتادن جسد سلیم همهمه‌ای ایجاد کرد و بعد صدای ماشین‌ها که به آن‌طرف حرکت می‌کردند بلند شد. عبدالقاهر توی تاریکی، کورکورانه می‌دوید و قلوه‌سنگ‌های درشت را زیر پایش حس می‌کرد. بعد یک‌باره زیر پایش خالی شد و فقط فهمید پهلویش محکم به جایی خورده. بدنش در تاریکی و سنگ، معلق ماند و آن‌قدر درهم چرخید و سقوط کرد تا بدن کوفته‌اش توی چاله‌ای سیاه افتاد. حس می‌کرد دست و پایش را به‌هم گره زده‌اند و استخوان‌هایش از برخورد قلوه‌سنگ‌ها به زُق‌زُق افتاده.

نفهمید چقدر زمان گذشته. آسمان شب داشت رنگ می‌باخت و افق تاریک داشت زور می‌زد که سپیده بزند. نور کدری توی چاله را روشن می‌کرد. ساق‌های زخم و زیلی‌اش را تماشا کرد. حس سوزش عمیقی توی معده‌اش بود. انگار دیواره شکمش را ناخن می‌کشیدند. گیج و گول بود که باز هم صدای غلتیدن سنگریزه‌ها را زیر پای کسی شنید بعد صدای نفس‌زدن‌های تند کسی به گوش رسید و ناگهان از بالای چاله سایه بزرگی خزید توی تاریکی. عبدالقاهر تا به خودش بجنبد و دست‌های کوفته‌اش سنگی بردارند، لوله تفنگ را روبه‌روی صورتش دید. مگسک تفنگ می‌رسید به دست‌هایی که می‌لرزیدند و دست‌ها تا شانه‌ها و سری که در سایه تاریک پنهان بود. عبدالقاهر سنگ را رها کرد و دست‌هایش را به علامت تسلیم بالا آورد. آنکه صورتش در تاریکی بود پرسید: «افغان هستی؟» عبدالقاهر به علامت تأیید سر تکان داد. لوله تفنگ آرام آمد پایین. گفت: «کارت ندارم. منم فرار کرده‌ام» وقتی نشست، عبدالقاهر تازه توانست دماغ فندقی و چهره جوان سرباز را ببیند. کلاهش را برداشت و هووف کشید. گفت: «گندش بزنن. مجبور شدم تفنگو هم بردارم...» بعد هیچ‌کدام چیزی نگفتند. فقط صدای جیرجیرکی بلند شد. هاله بنفش‌رنگی در سورمه‌ای آسمان نشت می‌کرد و هوا کم‌کم روشن‌تر می‌شد.

باز هم آن سوزش عمیق معده سراغش آمد. سرباز گفت: «میری تایباد؟» که یک‌باره عبدالقاهر همانجا بالا آورد. تمام جانش درد می‌کرد. حالا سوزش عمیق را توی گلو و حنجره‌اش هم حس می‌کرد. با خودش فکر کرد اگر یکی از بسته‌ها باز شده بود، حالا مُرده بود. شنیده بود چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد. بعد متوجه شد سرباز بالای سرش ایستاده. سرباز گفت: «منم دارم می‌رم تایباد...»

ادامه دارد...